

## جر ثقیل های خودروبر متخلف توقیف می شوند



**رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ از توقیف جر ثقیل های خودروبر که فاقد آرم و علائم شرکت های مورد تأیید پلیس راهور هستند، خیر داد و تأکید کرد:از این پس خودروهای توقیفی هم به پارکینگ‌های مجیز به سیستم نرم افزاری آنلاین منتقل می‌شوند و هر گونه نه‌یافت وجه توسط پارکینگ‌دارها در زمان ترحیمی این خودروها ممنوع شده است.**

به گزارش خبرنگار نما، سردار حسین رحیمی دربارۀ تخلفات تعدادی از پارکینگ‌دارها گفت: پلیس راهور تهران به‌طور ویژه ساماندهی این بخش‌ها را در دستنور کار قرار داد. وی افزود: بر این اساس تیم‌های بازرسی پلیس راهور تهران با هماهنگی مراجع قضایی موفق شدند ۷۰ پارکینگ را که مالکان آنها اقدام به تخلفات مختلفی از جمله فرختن موتورها و لوازم خودروهای توقیفی مردم می‌کردند، به مراجع قضایی معرفی کنند.

وی اظهار داشت: به این اساس جر ثقیل های خودروبر در پایتخت اعم از سبک و سنگین و نسیان وانت که در بزرگراه‌ها و معابر نسبت به انتقال خودروها اقدام می‌کنند از این پس باید بر اساس دستورالعمل جدید و صرفاً در قالب شرکتهای مورد تأیید پلیس راهور تهران و با آرم و علائم این شرکته‌ها ساماندهی شوند

در غیر این صورت از امروز مأموران پلیس نسبت به توقیف جر ثقیل های غیرمجاز اقدام می‌کنند.

رئیس پلیس راهور تهران در ادامه با اشاره به

ساماندهی پارکینگ‌های پایتخت گفت: از

این پس خودروهای توقیفی فقط به یکی از

۳۷ پارکینگی که ضوابط ۱۳گانه پلیس راهور

تهران را رعایت می‌کنند و به سامانه نرم‌افزاری

## فرار دزد خوش شانس با کیف مالباخته

**مردی که به بهانه دادن آدرس به راننده عبوری سوار ماشین او شده بود، پس از اینکه کیف راننده را سرقت کرد، با به فرار گذاشت.**
به گزارش خبرنگار، پنجشنبه آسان مردی به کلاتری شمس آباد رفت و در شکایتی به مأموران گفت: می‌خواستم از میدان آزادی به خیابان ستارخان بروم اما چون آدرس را بلد نبودم، مجبور شدم از یک نفر سؤال کنم. مرد جوانی به بهانه اینکه مسیرش به سمت ستارخان است از من خواست و را اسوار ماشینم کنم تا با هم برویم. با راهنمایی او مدتی در خیابان خریدیم تا اینکه ناگهان در یک لحظه پشت چراغ قرمز از ماشین پیاده شد و فرار کرد. همان موقع متوجه شدم او کیفم را که عمیلمیون تومان و مدارک شناسایی و کارت عابر بانکم داخلش بود، برداشته است. از راننده‌ای پرسیدم اینجا کجاست اما در کمال تعجب جواب داد اینجا خیابان شمس آباد است. در حالی که می‌خواستم به سمت غرب تهران بروم سز از شرق درآورده بودم. پس از اظهارات مالباخته، پرونده برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. کارآگاهان با بررسی



ترانکش مالی حساب شاکی دریافتند سارق پس از سرقت بلافاصله حساب او را خالی کرده است. تصاویر دوربین‌های مدار بسته بانکی که در فرار کرد. همان موقع متوجه شدم او کیفم را که عمیلمیون تومان و مدارک شناسایی و کتون موفق به دستگیری سارق نشده است. سرهنگ کارآگاه رضا مؤذن رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران با اشاره به دستور انتشار تصویر سارق از شهروندانی که موفق به شناسایی این تصویر شده‌اند یا از هویت و محل تردد وی خبر دارند خواست تا هر گونه تکمیلی در اختیار پایگاه چهارم پلیس آگاهی چهارم پلیس آگاهی قرار دهند.

## خارج کردن ساچمه پس از ۲۰ سال از چشم بیمار

**یک جسم خارجی بعد از ۲۰ سال با عمل جراحی از چشم**

وی افزود: این بیمار حتی بعد از سال‌ها از یک بیماری در کرمان خارج شد. دکتر مشکلات، جراح و متخصص چشمی درون این خانم ۴۲ساله، ۲۰ سال پیش بر اثر اصابت تیر تفنگ بادی از ناحیه چشم مجروح شد و به پزشکی مراجعه کرد اما پزشک معالج متوجه تیر نمی‌شود و فقط خونریزی و عفونت چشم

### خارج از مدار

### تولد خوک ۲ سر و ۳ چشم در چین

**یک بچه خوک در شهر «نانچانگ» در مرکز استان «جیانگ شی» چین با دو پوزه، دو دهان، سه چشم و دو سر متصل به هم متولد شده است.**

متخصصان دامپزشکی می‌گویند: این خوک به عارضه «چندسری» مبتلاست و این مسئله ادامه حیات را برایش دشوار می‌کند. بچه خوک بدنش به دلیل ابتلا به این عارضه هنگام شیر خوردن مردد است که با کدام دهانش از سینه مادرش شیر بخورد.

## خود کشی مادر و فرزند از طبقه دوازدهم

**زن چینی که قصد داشت خود و فرزندش را از طبقه دوازدهم یک آپارتمان به پایین بریزد کند، با تلاش مأموران پلیس امداد دستگیر شد.**

یک زن چینی که به گواهی همسایگانش بیکار و افسرده بود، پس از مشاهده مأموران پلیس و امدادی که قصد داشتند مانع از خودکشی او شوند، فرزندش را به کنار پنجره آورد و تهدید کرد تا اگر بخواهد مانع از کار من نشوید، اول این بچه را من کشم و بعد خودم را. سخنگوی پلیس چین در این باره گفت: این وضعیت بسیار حساس و ظریف بود و نمی‌بایست اشتباهی مرتکب می‌شدم. در زمانی که یک متخصص سلامت روان با او صحبت می‌کرد، مأموران ما برای رسیدن به پنجره تلاش می‌کردند. در نهایت، آتش‌نشان‌ها به آرامی از طریق پنجره دیگری خود را به پنجره آپارتمان این زن رساندند و پس از تهدید کرد تا اگر بخواهد مانع از شد. قرار است این زن به یک بیمارستان روانی فرستاده شود و فرزند او نیز به احتمال زیاد به خانواده‌های دیگر واگذار می‌شود.

## مرد معتادی که دو روز قبل در غرب

**تهران به صورت زن سالمندی اسید پاشیده بود، ادعا می‌کند در توهم شیشه دست به حیایت زده است.**
به گزارش خبرنگار ما، ظهر روز جمعه ۲۲ آذر ماه اهالی کوچهای در شهرک استقلال در غرب پایتخت با شنیدن فریادهای دلخراش زن همسایه که مدام می‌گفت سوختم سوختم سراسیمه از خانه به داخل کوچه آمدند و با پیرزن همسایه در حالی که دستانش را روی صورتش گذاشته بود و از مردم درخواست کمک می‌کرد، روبه‌رو شدند. از سوی دیگر همسایه‌ها با دیدن مردی که در حال فرار از محل بود، او را دستگیر کردند و به مأموران کلاتری ۱۵۴ پیچنگ که با تماس مردم در محل حاضر شده بودند، تحویل دادند. یکی از همسایه‌ها گفت: گفتایی قبل صدای زن همسایه را از داخل کوچه شنیدم که می‌گفت سوختم، به سرعت بیرون آمدم که متوجه

شدم این مرد که یک بطری دستش است، در حال فرار است. من مانع فرار او شدم و با کمک همسایه‌ها او را دستگیر کردم. وی ادامه: بعد از این یکی از همسایه‌ها زن زخمی را با کمک اورژانس به بیمارستان شهید مطهری منتقل کرد. متهم در نخستین بازجویی‌ها گفت: من به مواد مخدر شیشه اعتیاد دارم. ساعتی قبل از حادثه شیشه مصرف کردم. در توهم شیشه، انگار فردی به من دستور داد اسید تهیه کنم و به صورت این زن بپاشم. وی ادامه داد: بعد از این من مقداری اسید تهیه کردم و داخل یک بطری ریختم. باطری اسید به در خانه زن سالمند رفتم و زنگ خانه‌شان را زدم. وقتی او بیرون آمد، اسید را به صورت و بدنش پاشیدم زن مجروح هم که از ناحیه صورت و بدن هدف اسید پاشی قرار گرفته بود و به سختی حرف می‌زد، در بیمارستان به پلیس گفت: داخل خانه بودم که زنگ خانه‌ام به صدا درآمد. وقتی گوشی آیفون تصویری را برداشتم، مرد

جوانی را دیدم که پشت در خانه‌ام است. او ادعا کرد که از طرف یکی از همسایه‌ها برای من پیغامی دارد و خواست به در خانه بروم. من به او اعتماد کردم و به در خانه رفتم. لحظه‌ای که در راز باز کردم، ناگهان مایع داخل بطری که در دستش بود را به صورت و بدنم پاشید. سوزش وحشتناکی تمام بدنم را فرا گرفت به طوری که تحملم را برید و فریاد زدم سوختم. بعد از این عصر روز جمعه با صدور قرار بازداشت در اختیار پلیس قرار گرفت و پرونده‌اش به دستور قاضی جشیدی بازرس کشیک دادسرای جنایی برای بررسی به دادسرای ناحیه ۱۰ ارسال شد. ماموران همچنین در تحقیقات میدانی احتمال دادند مرد اسید پاش از سوی فرد دیگری برای اسیدپاشی اجبر شده‌است تحقیقات از متهم برای روشن شدن زوایایی پنهان این حادثه ادامه دارد.

# اسید پاشی مرد شیشه‌ای به صورت زن سالخورده



# راز قتل بهرام در ادعای عجیب مهناز

شدیدم چند نفری دهانش را با چسب و دست و پایش را با طناب ببندیم. من احساس کردم که او قصد زندگی با من را ندارد و به همین دلیل او را تهدید کردم تا چک میلیونی در وجه من صادر کند تا من بعد از این زندگی راحت‌تری داشته باشم. وی در ادعای عجیبی افزود: بهرام قبول نکرد تا اینکه با شوهر قبلی‌ما ستار تماس گرفتیم و او کمک خواستیم. ستار وقتی به خانه آمد با بهرام حرف زد و او را آرام کرد و ما هم دست و پایش را باز کردیم. سپس ستار از خانه ما بیرون رفت و ما همگی خوابیدیم. تا اینکه قبل از طلوع آفتاب از خواب بیدار شدم که متوجه شدم پنجره باز است. وقتی به داخل حیاط نگاه کردم، جسد خونین بهرام را در کف حیاط دیدم که از پنجره به پایین سقوط کرده بود. بلافاصله برادر و خواهرم را از خواب بیدار کردم و موضوع را به آنها گفتم. بعد از این ستار تماس گرفتیم و خواستیم به خانه ما بیاید تا با او مشورت کنیم. وی در پایان گفت: لحظاتی بعد ستار که ماشین یکی از

دوستانش را گرفته بود به خانه ما آمد و ما هم جسد را داخل ملحفه‌ای پیچانیدیم و به بیرون شهر بردیم. به خاطر اینکه همه آثار جرم راز از بین بریم، جسد را با بنزین آتش زدیم. کارآگاهان در ادامه بعد از کشف جسد سوخته از بهرام خواستیم تا ما را بیرون نکند و او هم قبول کرد. بعد از این با برادرم سعید تماس گرفتیم و گفتیم که بهرام مرا کمک زده است. سعید بلافاصله به خانه ما آمد و با بهرام درگیر شد. او سر و صدای زیادی کرد و ما هم مجبور



وی ادامه داد: روز قبل از حادثه من و خواهرم طوبی در خانه بودیم که بهرام مرا آتکت زد و هر دوی ما را از خانه بیرون کرد. ما جایی را برای زندگی نداشتیم به خاطر همین بعد از چند ساعت دوباره به خانه آمدیم و با التماس از بهرام خواستیم تا ما را بیرون نکند و او هم مدتی قبل با بهرام آشنا شدم. او مرد پولداری بود و مرا می‌سغه کرد. بهرام ابتدا اخلاق خوبی داشت اما کم‌کم متوجه شدم مرد عصابی و بد اخلاقی است و حتی چند بار مرا آتکت زد.

آغاز کرده است. بنابراین مأموران با گرفتن نیات قضایی به محل زندگی مهناز رفتند و بعد از دستگیری، وی را برای تحقیقات به تهران منتقل کردند. متهم در بازجویی‌ها اینتا از سرنوشت شوهرش اظهار بی‌اطلاعی کرد اما وقتی با مدارک روبه‌رو شد، در ادعایی گفت: مدتی قبل با بهرام آشنا شدم. او مرد پولداری بود و مرا می‌سغه کرد. بهرام ابتدا اخلاق خوبی داشت اما کم‌کم متوجه شدم مرد عصابی و بد اخلاقی است و حتی چند بار مرا آتکت زد.

## اعدام یک قاچاقچی مواد مخدر در رشت

**یک قاچاقچی موادمخدر روز گذشته در رشت اعدام شد.**
مدیر روابط عمومی دادگستری گیلان گفت: این مرد ۴۴ ساله به جرم تهیه و نگهداری ۸۵ کیلو و ۳۰۰ گرم هروئین و ۱۷ کیلوگرم تریاک روز گذشته در زندان مرکزی رشت اعدام شد. محمد رحیمی افزود: این قاچاقچی مواد مخدر به هشت سال زندان و ۱۵۰ میلیون ریال جریمه نقدی نیز محکوم شده بود.

## مرگ سارق سیم‌های برق در سرپل ذهاب

**سرقت سیم‌های برق در سرپل ذهاب، مرگ سارق را رقم زد.**

بنا بر اعلام روابط عمومی نیروی انتظامی کرمانشاه، در پی کسب خبری در خصوص یک فقره مرگ مشکوک در بیمارستان سرپل ذهاب، نیروهای پلیس برای بررسی موضوع به محل عزیمت کردند که کادر پزشکی بیمارستان، علت مرگ متوفی را برق گرفتگی اعلام کردند. بر اساس این گزارش، این شخص به همراه فردی دیگر دیروز برای سرقت سیم برق به یکی از روستاهای اطراف رفته بود که حین سرقت، دچار برق گرفتگی و فوت شد.

## برق جان ۳۰ قطعه فلاмінگو را گرفت

**بیش از ۳۰ قطعه فلاмінگو بر اثر برخورد با خطوط انتقال برق تلف شدند.**

کارشناس اداره محیط‌زیست مهاباد گفت: این پرندگان در کولاک و مه شدید شامگاه جمعه مسیر حرکت خود را گم کردند و در اثر برخورد با خطوط انتقال برق تلف شدند. آقای مرادی با اشاره به اینکه فلامینگوها در دسته‌های ۶۰ تا ۲۰۰ تایی پرواز می‌کنند، افزود: تنها اشته ۲۰ قطعه از این دسته پروازی که با خطوط فشار قوی برق در مسیر مهاباد - سردشت برخورد کردند، پیدا شده است.

### یک کشته بر اثر صاعقه

**صاعقه در بوئین میاندشت استان اصفهان جان یک نفر را گرفت.**

رئیس اداره آب و فاضلاب روستایی شهرستان فریدن گفت: ایستگاه بمپا آب از آشامیدنی روستای قلعه بهمین بوئین میاندشت بر اثر صاعقه دچار نقص نفی شده بود که برای رفع این مشکل، چهار نفر از کنسپین‌های این اداره برای تعمیر به محل اعزام شدند. آقای اونیک آزه افزود: در این حادثه بر اثر رعد و برق و اتصال برق شبکه، یکی از این افراد فوت شد و سه نفر دیگر مصدوم شدند.

### مرگ خاموش ۴ نفر در همدان

**مسئومیت با گاز منواکسید کربن چهار نفر را در استان همدان به هم مرگ کشاند.**
رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی استان همدان گفت: در این حوادث دو نفر از شهرستان همدان و دو نفر دیگر از شهرستان ملایر بر اثر استنشاق گاز حاصل از سوختن چوب، دچار خفگی شدند. دکتر معصومی علت این حادثه را استفاده از زغال و چوب به عنوان وسیله گرمایشی در فضای بسته اعلام کرد. او از مردم خواست اصول ایمنی را در نصب و استفاده از دودکش برای آبرگن‌های دیواری، کپچ و شوفاژ رعایت کنند و به جای استفاده از اجاق‌های خوراک‌پزی از وسایل گرمایشی استاندارد استفاده کنند.

جلوی موتورری را که در حال عبور بود، گرفتیم. مجیر راننده و حکیم هم ترک نشین آن بود. ادعا کردم دزد کیفم را سرقت کرده است. ترک موتورشان سوار شدم و حرکت کردند اما کامران را پیدا نکردیم. چند خیابان جلوتر مجیر توقف کرد و گفت کدام طرف بروم، به او گفتم نمی‌دانم اما نشانی خانه‌اش را می‌دانم. حکیم گفت عجب دزدی است که نشانی خانه‌اش را به تو داده. به او گفتم دزد آشنا، شوهرم است. در حالی که تعجب کرده بود، نشانی خانه شوهرم را دادم و به آنجا رفتمیم. از آنجا که نمی‌خواستم با همسر شوهرم روبه‌رو شوم، خودم سر کوچه ایستادم و حکیم را به در خانه‌اش فرستادم. وقتی حکیم برگشت، گفت کامران هنوز به خانه نیامده. حکیم گفت هر طور شده کیف را می‌گیرد و به من برمی‌گرداند. متهم ادامه داد: من، حکیم و مجیر را نمی‌شناختم و احتمال دادم که بعد از گرفتن کیف، فرار کنند به خاطر همین شماره تلفن حکیم را گرفتم. لحظاتی بعد حکیم از من جدا شد و دوباره به طرف خانه کامران رفت. بعد ما گوسمی ما تماس گرفت و گفت کامران جلوی در خانه‌اش ایستاده است. چند دقیقه بعد حکیم سراسیمه آمد و گفت نتوانسته کیف را از شوهرم بگیرد. هر سه سوار موتور شدیم و از محل رفتمیم. به مغازه‌اش رفتم، گفت که برایم هدیه‌ای خرید می‌خواهد آن را به من بدهد تا با هم آشتی کنیم. دستبندی به من داد. بدون آنکه به آن نگاه کنم هدیه‌اش را رد کردم اما متوجه شدم کادویی از داخل گاوصندوق در آورد و آن را داخل کیف لپ‌تاپش گذاشت. احساس کردم که آن را برای همسر اولش خریده. خواستم آن را به من نشان دهد اما قبول نکرد. هر همین ماجرا با هم درگیر شدیم و تصمیم گرفتیم هر طور شده هدیه او را به دست بیاورم. بعد از آن از مغازه بیرون رفتمیم. در خیابان هر چه اصرار کردم حاضر نشدند آن را به من بدهد.

چند خیابان آن طرف‌تر به وسط خیابان رفتم و

### عاملان قتل محاکمه شدند

## همسر دوم مقتول: کنجکاو شده بودم، قصد قتل نداشتم



بیاورم. ما هم قبول کردیم و هر سه به نشانی که در خیابان نبرد داده بود، رفتمیم. مینا و مجیر سر سر کوچه ایستادند. او خانه‌ای را به من نشان داد. به در خانه رفتم و زنگ زد اما گفتند کامران هنوز به خانه نیامده به خاطر همین سر کوچه برگشتم و منتظر آمدن کامران ماندیم. وقتی کامران آمد من به طرفش رفتم و به او حمله کردم تا کیف را از دستش بیورم اما مقاومت کرد. بند کیف را دور دستش پیچیده بود. مردم در حال جمع شدن بودند که ترسیدم، با چاقویی که از مینا گرفته بودم ضربه‌ای به کامران زدم تا کیف را رها کند اما رها نکرد و من فرار کردم. ترک موتور سوار شدم، مینا را هم سر کوچه سوار کردیم و فرار کردیم. مینا در راه مدام سوالی می‌کرد و می‌خواست بداند چرا کیف را سرقت نکردم. به او گفتم که کامران مقاومت کرد و مجبور شدم او را بزتم. بعد به میدان خراسان رفتمیم و او را پیاده کردیم. می‌خواهد به خانه یکی از بستگانش برود. وقتی پیاده شد، ۵۰ هزار تومان به ما پول داد. اول قبول نکردیم اما وقتی اصرار کرد ۲۵ هزار تومان آن را برداشتیم و بقیه را پس دادیم. متهم گفت: من اشتباه کردم و گناه خودم را قبول دارم. مینا به من گفته بود که تا پای دار هم از من حمایت می‌کند.

■ **من فقط راننده بودم**
بعد از آن مجیر در جایگاه قرار گرفت و اتهام خودش را قبول کرد. او حرف‌های حکیم را تأیید